

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سیام، دوره جدید، شماره ۴۷، پیاپی ۱۳۷، پاییز ۱۳۹۹ / صفحات ۱۳۴-۱۰۹

مقاله علمی - پژوهشی

## تحلیلی بر شیوه مواجهه پیامبر(ص) با چالش‌های مهاجران در مدینه (مطالعه موردی: کمبود مسکن، فقر و بیکاری)<sup>۱</sup>

بهمن زینلی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

### چکیده

پیامبر(ص) پس از سیزده سال تلاش برای ترویج اندیشه توحیدی در مکه، به دلیل مقاومت سرسختانه اشراف قریش در برابر گسترش اسلام، درصدد یافتن کانون جدیدی برای اسلام برآمدند. آن حضرت پس از آشنایی با گروهی از اهل یثرب و ارائه اسلام به آنها که سه سال به طول انجامید و زمینه انتشار اسلام در این شهر فراهم شد، تصمیم گرفت به یثرب هجرت کند. زمینه هجرت پیامبر(ص) و بسیاری از مسلمانان مکی به یثرب، پس از انعقاد دو عهدنامه شفاهی (عقبه اول و دوم) فراهم شد. با هجرت پیامبر(ص) و مسلمانان، جامعه نوپای اسلامی در مدینه، به‌ویژه مهاجران با مشکلاتی چون فقدان مسکن، فقر و بیکاری مواجه شدند. پیامبر(ص) با شناخت دقیق ریشه مشکلات و ارزیابی شرایط و امکانات این شهر، اقدامات اساسی را در سطوح مختلف به منظور رفع این مشکلات انجام داد.

هدف نگارنده پژوهش حاضر که با استناد به منابع تاریخی و به روش کیفی (توصیفی-تحلیلی) صورت گرفته، پرداختن به شیوه مواجهه پیامبر(ص) با مشکلات مهاجران در مدینه است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین چالش‌های مهاجران در مدینه و علل این چالش‌ها چه بوده و پیامبر(ص) از چه راهکارهایی برای حل این چالش‌ها استفاده کرده است؟ براساس یافته‌های پژوهش، عمده‌ترین چالش مهاجران در آغاز حضور در مدینه، فقدان مسکن، تنگی معیشت و بیکاری بود که پیامبر(ص) با اقداماتی کارآمد در دو مرحله کوتاه‌مدت (مُسکنی) و بلندمدت (درمانی) به حل این مشکلات پرداخت.

واژه‌های کلیدی: پیامبر(ص)، چالش‌های مهاجران، کمبود مسکن، فقر، بیکاری

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.29327.2174

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان b.zeynali@ltr.ui.ac.ir

#### مقدمه

پیامبر(ص) در سال سیزده بعثت پس از سال‌ها تلاش بی‌وقفه، با وجود برخورداری از امتیازات شخصیت فردی و سابقه خانوادگی و پذیرش اسلام از سوی بخشی از مردم مکه، به دلیل موانع بسیاری که در برابر رشد اسلام به وجود آمده بود -نظیر مخالفت سرسختانه اشراف قریش- به یثرب هجرت کرد. هجرت به یثرب اگرچه زمینه گسترش اسلام و امکان تشکیل دولت اسلامی در این شهر را فراهم کرد، اما اوضاع اجتماعی و امکانات اقتصادی یثرب از یک طرف و وضعیت اجتماعی و اقتصادی مهاجران از طرف دیگر، مشکلات زیادی را برای ساکنان یثرب و به‌ویژه مهاجران و دولت نوپای اسلامی به وجود آورد. پیامبر(ص) با شناخت دقیق این شرایط و ریشه‌های مشکلات به وجود آمده، اقداماتی را برای حل آنها آغاز کرد. اقدامات پیامبر(ص) در دو سطح کلان و ویژه صورت گرفت. اقدامات کلان در چارچوب سیاست‌های کلی دولت اسلامی صورت گرفت و اقدامات ویژه آن حضرت در دو مرحله کوتاه‌مدت و بلندمدت انجام شد. در پژوهش حاضر به اقدامات ویژه پیامبر(ص) در مواجهه با این چالش‌ها پرداخته شده و ضمن اشاره به دلایل شکل‌گیری این چالش‌ها، اقدامات پیامبر(ص) در این باره نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش بدان سبب دارای اهمیت است که اقدامات پیامبر اسلام(ص) به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رهبران تاریخ جهان در مواجهه با بخشی از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی، مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. شناخت راهکارها و اقدامات پیامبر(ص) در مواجهه با چالش‌های دولت تازه‌تأسیس در مدینه، این امکان را فراهم می‌کند که با الهام گرفتن از این راهکارها امکان مواجهه با چالش‌های جامعه اسلامی در ادوار بعدی فراهم شود. البته تذکر این نکته لازم است که هدف تعمیم قطعی حوادث صدر اسلام و نتایج اقدامات پیامبر(ص) در جامعه نخستین اسلامی به حوادث بعدی، به مفهوم تکرار تاریخ و یا پیشگویی حوادث نیست،<sup>۲</sup> بلکه بازشناسی بخش محدود، اما مهمی از تاریخ تشکیل دولت اسلامی و مشکلات پیش روی آن است. در این مقاله ضمن تحلیل زمینه‌های مشکلات اجتماعی و اقتصادی مهاجران در مدینه، به‌ویژه بی‌سرپناهی و فقدان مسکن، فقر و تنگی معیشت و بیکاری، اقدامات پیامبر(ص) در مواجهه با این چالش‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. سه سؤال اصلی در این پژوهش مطرح شده است. ۱. مهم‌ترین چالش‌های

۱. مایکل. اچ. هارت نوشته است: «محمد تنها رهبر سیاسی است که توانست دولتی قوی و پیروز بر مبنای دین و علم بنا سازد و به همین خاطر او لیاقت دارد که تنها مرد تأثیرگذار در تاریخ بشریت باشد» (Hart, 1993: 3).  
۲. بنا به نظر پوپر، به دلایل منطقی دقیق امکان پیشگویی جریان آینده تاریخ وجود ندارد (Popper, 1961: 10).

مهاجران در مدینه چه بوده است؟<sup>۲</sup> چه عواملی باعث پدید آمدن این چالش در مدینه شد؟  
۳. مهم‌ترین راهکارها و اقدامات پیامبر اسلام(ص) در مواجهه با این چالش‌ها چه بود؟  
فرضیه‌های مطرح در این پژوهش عبارت است از: ۱. نداشتن مسکن مناسب، فقر و بیکاری مهم‌ترین چالش مهاجران به‌ویژه در سال‌های نخست دولت اسلامی در مدینه بوده است؛<sup>۲</sup> منشأ اصلی این مشکلات از یک طرف فتنه‌گری اشراف مکه بود که مسلمانان را از خانه و کاشانه خود اخراج کرده و اموال و دارایی آنها را مصادره کرده بودند و از طرف دیگر، محدودیت امکانات و فرصت‌ها در مدینه بود؛<sup>۳</sup> پیامبر علاوه بر اقدامات بنیادی که اساس حکومت اسلامی را تشکیل می‌داد، با دو راهکار هماهنگ و مکمل به مقابله با این چالش‌ها پرداختند. راهکار نخست پیامبر(ص) اقدامات کوتاه‌مدت و مُسکنی از جمله تأمین غذا و مسکن برای مهاجران از طریق یاری خواستن از انصار و سازماندهی مهاجران در قالب دسته‌های نظامی و عملیاتی برای ایجاد امنیت نظامی و اجتماعی در مدینه بود و راهکار دوم، اصلاح ساختار اقتصادی مدینه، اقدامات عمرانی و فراهم کردن زمینه برای فروپاشی نظام اشرافیت در مکه و به خدمت گرفتن امکانات مدیریتی و اقتصادی مکه در دولت جدید بود.  
درباره موضوع این مقاله تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده؛ هرچند که در ارتباط با بخش‌هایی از این مقاله گزارش‌های مفیدی در چند کتاب و مقاله ارائه شده است. از طرفی، منابع اصلی تاریخ اسلام گزارش‌های محدودی درباره وضعیت مهاجران در سال‌های نخست هجرت ارائه کرده‌اند. عمده گزارش‌های آنها ناظر بر حوادث سیاسی و نظامی است و تصویری روشن از حیات اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی مدینه در آغاز هجرت، در این منابع ارائه نشده است.

از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در این راستا می‌توان به کتاب‌هایی چون دولت رسول خدا(ص) نوشته صالح احمدعلی،<sup>۱</sup> جامعه مدینه در عصر نبوی نوشته عبدالله عبدالعزيز ابن‌ادریس،<sup>۲</sup> محمد در اروپا نوشته مینو صمیمی<sup>۳</sup> و تجارت مکه هنگام ظهور اسلام نوشته پاتریشا کرون<sup>۴</sup> و همچنین مقالاتی چون «نقش اقتصاد در ایجاد تعارض در مدینه و چگونگی برخورد پیامبر با آن» نوشته حسین قاضی‌خانی،<sup>۵</sup> «سیره پیامبر اکرم(ص) در مقابله با تهدیدهای

۱. صالح احمدعلی (۱۳۹۱)، دولت رسول خدا، ترجمه هادی انصاری، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.

۲. عبدالله عبدالعزيز ابن‌ادریس (۱۳۹۲)، جامعه مدینه در عصر نبوی، ترجمه شهلا بختیاری، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.

۳. مینو صمیمی (۱۳۸۲)، محمد در اروپا، ترجمه عباس مهر پویا، تهران: انتشارات اطلاعات.

4. Patricia Crone (1987), *Meccan trade and the rise of Islam*, Princeton: Princeton University Press.

۵. حسین قاضی‌خانی (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، «نقش اقتصاد در ایجاد تعارض در مدینه و چگونگی برخورد پیامبر با آن»، مطالعات تاریخی جهان اسلام، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۱.

اقتصادی» نوشته سعید سید حسین زاده یزدی و محمدجواد شریف‌زاده،<sup>۱</sup> «مناسبات مهاجر و انصار در سیره نبوی؛ همدلی‌ها و رقابت‌ها» نوشته حسین حسینیان مقدم<sup>۲</sup> و «المواجهه الاقتصادية بین المسلمین و قریش فی العهد النبوی» نوشته عبدالرحمن ابن‌علی السنیدی<sup>۳</sup> و «نقد و بررسی دیدگاه مستشرقان درباره اهداف غزوات و سرایای پیامبر اعظم(ص) از منظر اسناد تاریخی» نوشته حسین عبدالحمیدی و هادی اکبری<sup>۴</sup> اشاره کرد.

همان‌گونه که اشاره شد، محتوای پژوهش‌های فوق عمدتاً دربرگیرنده حوادث سیاسی و نظامی مکه و مدینه و همچنین پرداختن به اقدامات بنیادی پیامبر(ص) در تشکیل حکومت اسلامی در مدینه است. در این پژوهش‌ها به مباحث اجتماعی-اقتصادی مهاجران در مدینه در سال‌های نخست هجرت (فقدان مسکن، فقر و بیکاری) و عوارض ناشی از این چالش‌ها (بحران اشتغال و فساد) به عنوان مسئله‌ای اجتماعی-اقتصادی که از اهداف مقاله حاضر است، پرداخته نشده است. بنابراین به منظور ارائه تصویر دقیق و روشن از شرایط اجتماعی و اقتصادی مهاجران در مدینه در اوایل هجرت، لازم است گزارش‌های مورخان مسلمان به روش کیفی مورد بررسی قرار گیرد تا امکان تدوین گزارش نزدیک به واقعیت فراهم شود.

این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع تاریخی صورت گرفته است. رویکرد پژوهش حاضر براساس ارجحیت متن روایت بر سلسله اسناد و روایان متن است؛<sup>۵</sup> به تعبیری، صحت اصالت متن مبنای پژوهش حاضر می‌باشد. با توجه به اینکه بسیاری از حوادث تاریخ اسلام به‌ویژه حوادث دوران پیامبر(ص) از زبان روایانی بیان شده است که تحت تأثیر منافع و مصالح قبیله‌ای و جریان‌های سیاسی قرار داشته‌اند، امکان

۱. سعید سید حسین زاده یزدی (۱۳۹۵)، «سیره پیامبر اکرم در مقابل تهدیدهای اقتصادی»، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۲، صص ۶-۳۱.

۲. حسین حسینیان مقدم (۱۳۸۵)، «مناسبات مهاجر و انصار در سیره نبوی؛ همدلی و رقابت‌ها»، مجموعه مقالات پژوهشی در سیره نبوی، زیر نظر رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، صص ۱۸۹-۳۲۶.

۳. عبدالرحمن ابن‌علی السنیدی (۱۴۱۹)، «المواجهه الاقتصادية بین المسلمین و قریش فی العهد النبوی»، جامعه الإمام محمدبن سعود الإسلامية، العدد ۲۱، صص ۳۶۹-۴۱۲.

۴. حسین عبدالحمیدی و هادی اکبری (پاییز ۱۳۹۱)، «نقد و بررسی دیدگاه مستشرقان درباره اهداف غزوات و سرایای پیامبر اعظم(ص) از منظر اسناد تاریخی»، فصلنامه تاریخ اسلام، سال سیزدهم، شماره ۳ (مسلسل ۱۳)، صص ۷-۴۱.

۵. منظور از متن روایات نه گزارش متون تاریخی مندرج در یک کتاب یا چند کتاب، بلکه منظور وقوع حادثه است که منابع تاریخی با توجه به گرایش‌های مختلف درباره علل و عوامل آن اظهار نظر کرده‌اند که به دلیل همین وابستگی‌ها بخش عمده این گزارش‌ها با واقعیت عقلی حادثه تناسب ندارد و بر این اساس بهترین نگاه، نگاه عقلانی بر حادثه با استناد به تجربه تاریخی و عقلی است.

تناقضات و داستان‌های شخصی ساختگی و محرّف وجود دارد (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳۲۰-۳۲۱). بنابراین در این پژوهش به تعبیر شوئلر<sup>۱</sup>، در اعتبارسنجی روایات بیشتر مفهوم و محتوای تاریخی آنها لحاظ شده تا گزارش اسنادی و رجالی آنها.<sup>۲</sup> به دیگر سخن، تجربه تاریخی پژوهشگران و مقایسه نتایج هم‌شکل در پهنه تاریخ از صدر اسلام تا به امروز، امکان فهم جدید از حوادث گذشته را فراهم آورده است. در این مقاله تلاش شده است تا با استناد به آن بخش از گزارش‌های مورخان اسلامی که محتوای آنها به لحاظ تجربه تاریخی و عقلانیت پژوهشی قابل استناد است، چالش‌های اجتماعی و اقتصادی مهاجران در مدینه و راهکارهای پیامبر اسلام(ص) در مواجهه با این چالش‌ها مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

در پایان این بخش، تذکر دو نکته لازم و ضروری است. نخست اینکه پژوهش حاضر صرفاً براساس داده‌های تاریخی صورت گرفته است و تحلیل‌ها و قضاوت‌های مطرح شده در این مقاله متأثر از الهام‌گیری از اسناد و تجربه‌های تاریخی است و نه متأثر از منابع کلامی و الهیاتی؛ هرچند که در برخی موارد برای اثبات شواهد تاریخی از آیات قرآن و احادیث نبوی استفاده شده است. نکته دوم اینکه محدودیت کمی تعیین شده برای پذیرش مقاله از سوی مجله محترم (شیوه‌نامه تدوین مقاله) باعث شده تا ارائه شواهد و استنادات تاریخی و تحلیل‌های مربوط به آنها به صورت گزینشی انجام شود و ارائه همه شواهد تاریخی ممکن نباشد.

## ۱. هجرت و چالش‌های مهاجران

پیامبر(ص) پس از مبعوث شدن به رسالت بیش از ده سال با تمام توان، پیاده‌سازی اهداف دین مبین اسلام در مکه را دنبال کرد، اما نظام حاکم بر مکه پس از آگاهی از اهداف پیامبر(ص) به شدت با آن حضرت مخالفت کرد؛ زیرا انحصار تجاری قریش و دیگر ساکنان مکه را به پذیرفتن ارزش‌های مادی و روحیه فردگرایی تشویق کرده بود (یعقوبی، [بی‌تا]: ۲۵۴/۱). این امر باعث شده بود بیشتر ساکنان مکه به‌ویژه اشراف قریش و حتی بخشی از بنی‌هاشم (میبدی،

### 1. Schoeler

۲. طرح این مسئله به معنای نادیده انگاشتن روایت راویان و اخبار مورخان نیست، بلکه با توجه به اطلاعات تاریخی بسیاری که امروز مورخان در اختیار دارند - که قابل مقایسه با اطلاعات مورخان و راویان سده‌های نخست قمری نیست - امکان استفاده از قوانین استخراجی، از مطابقت حوادث شبیه به هم وجود دارد. تحلیل این نتایج این امکان را فراهم می‌کند تا امکان پالایش اطلاعات تاریخی فراهم شود و بسیاری از اخبار غیرواقع که به صورت عمدی و یا سهوی در منابع نخستین منعکس شده‌اند، حذف یا اصلاح شوند. برای آگاهی بیشتر در این باره نگاه کنید به: موسوی مقدم، ۱۳۹۴: ۷۶-۱۱۲.

۱۳۶۱: ۳۵۳/۹) از پذیرش اسلام سرباز زند و دشمنی با آن حضرت را در پیش بگیرند. با توجه به اینکه مخالفت مکیان بر دلایل سیاسی و اقتصادی متکی بود (گیب، ۱۳۶۷: ۴۶)، مادام که این دلایل در مکه وجود داشت، امکان گسترش اسلام در این شهر فراهم نبود و لازم بود کانون دیگری برای ادامه مسیر اسلام انتخاب شود.

پیامبر(ص) برای رسیدن به اهداف خویش که پیاده‌سازی شریعت اسلامی بود (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۹/۴، بیهقی، ۱۴۰۵: ۵۱۶/۲-۵۱۷)، ابتدا به طائف سفر کرد تا شاید بتواند اهداف خود را در این شهر پیاده کند، اما پس از مدت کوتاهی ناکام از این سفر به مکه بازگشتند (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۱۹/۱). با وجود این ناکامی، پیامبر(ص) به تلاش خود ادامه دادند و با برخی از سران قبایل اطراف مکه به گفت‌وگو پرداختند (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۲۳/۱)؛ هرچند که از این گفت‌وگوها نتیجه‌ای به دست نیامد. با وجود این ناکامی‌ها، آشنایی پیامبر(ص) با اهل یثرب زمینه را برای تحقق اهداف آن حضرت فراهم کرد و طی سه سال ارتباط و گفت‌وگو، بسیاری از مردم یثرب (دو قبیله اوس و خزرج) با آموزه‌های اسلام آشنا و مسلمان شدند. پس از گسترش اسلام در یثرب، پیامبر(ص) در چارچوب دو عهدنامه شفاهی عقبه اول (بیعت النساء) و عقبه دوم (بیعت الحرب) (طبری، ۱۳۸۷ق: ۳۶۸/۲) و با اعتماد بر تأیید اهل یثرب (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۳۱/۱، ۴۳۸، ۴۴۲)، زمینه‌های هجرت به یثرب را فراهم کرد. آن حضرت پس از عقبه دوم شرط بیعت را هجرت به یثرب قرار دادند (مالک‌بن انس، ۱۳۷۰ق: ۱۹۶/۱-۱۹۷) و مسلمانان را که به شدت از سوی مشرکان مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۶۸/۱)، تشویق کردند به طرف یثرب هجرت کنند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۷۴/۱-۱۷۵)؛ مسعودی، [بی‌تا]: ۲۱۳) و فرمودند: «خدای عز و جل برای شما برادرانی کمک‌کار و خانه‌های امنی در مدینه قرار داده است» (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۶۸/۱).

هجرت به یثرب آغاز یک تحول بزرگ بود، اما همراه با مسائل و مشکلات بسیاری بود. پس از بیعت عقبه دوم، رسول خدا(ص) وظیفه سختی در توجیه مسلمانان برای هجرت به یثرب داشت؛ زیرا با وجود فشارهای سنگین و سختی که مشرکان بر مسلمانان وارد می‌کردند و با وجود انتزاع فکری و اعتقادی مسلمانان از مردم مشرک مکه و دیدن آزارها و شکنجه‌های مختلف از سوی آنها، هنوز تعلقات بسیاری به مکه و مردمان آن داشتند. برای آنها سخت بود که برای همیشه از شهری که هم زادگاهشان و هم محل کسب و کار و هم کانون تعلقات

۱. هدف پیامبر از این کار آن بود که مسلمانان در مدینه مستقر شوند و اطراف وی باشند تا به هنگام بروز شرایط اضطراری همچون جنگ، برای دفاع از اسلام و خدمت به آن آماده شوند. شرط هجرت در بیعت تا هنگام فتح مکه باقی ماند و پس از فتح مکه لغو شد (ابن‌حنبل، [بی‌تا]: ۱۹۰/۱، ۶۸۳-۶۶۹).

خونی و نسبی و هویت فردی بود، دست بکشند. علاوه بر اینها بسیاری از مسلمانان باید از نزدیکترین کسان خود یعنی پدر، مادر، برادر و خواهر و حتی همسر و فرزندان خود دست می‌کشیدند (ابن هشام، [بی‌تا]: ۴۶۹/۱) که البته این امر تصمیمی سخت برای مهاجران بود؛ به طوری که پیامبر(ص) با توجه به این شرایط فرمودند: «هجرت بار سنگینی است» (بخاری، ۱۴۰۷: ۹۵/۱).

مشکل دیگر این بود که بسیاری از مهاجران دارایی، اموال و پس‌انداز خویش را در مکه رها ساخته (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۷۵/۱) و یا اینکه مشرکان دارایی‌شان را هنگام هجرت به یترب ضبط کرده بودند، مانند صهیب بن سنان که شرط خروج او از مکه، مصادره همه اموالش توسط مشرکان بود (ابن هشام، [بی‌تا]: ۴۶۸/۱، ۴۷۷؛ ابن بکار، ۱۳۸۱ق: ۴۳۱/۲؛ ازرقی، ۱۹۸۳: ۱۹۶/۲؛ فاکهی، ۱۴۰۷: ۲۹۳/۳). با توجه به این شرایط، مهاجران در ابتدای ورود به مدینه با مشکلاتی چون نداشتن مسکن و سرپناه، کمبود غذا و امکانات زندگی، بیکاری و عدم اشتغال مواجه شدند. این مشکلات از نخستین روزهای هجرت آغاز شد و البته با گسترش اسلام در مدینه و نواحی پیرامونی و توسعه جامعه اسلامی مسائل و چالش‌های جدیدی ظهور کرد که در ادامه مقاله، ضمن اشاره به مشکلات مهاجران در مدینه و دلایل اصلی شکل‌گیری این مشکلات، به نحوه مواجهه پیامبر(ص) با این مشکلات و اقدامات آن حضرت برای حل این چالش‌ها با استناد به منابع تاریخی پرداخته شده است.

#### ۱-۱. نداشتن مسکن و سرپناه

نداشتن مسکن و سرپناه نخستین چالش مهاجران در مدینه بود (سهیلی، ۱۳۹۱ق: ۲۲۰/۲-۲۲۱). با آغاز هجرت، بیشتر مسلمانان مکی خانه و زندگی خویش را بنا به دستور پیامبر(ص) رها کردند و بدون داشتن کمترین پشتوانه اقتصادی و بدون دورنمایی از استرداد اموال مصادره شده خود،<sup>۱</sup> عازم یترب شدند (ابن هشام، [بی‌تا]: ۴۶۸/۱؛ مسعودی، [بی‌تا]: ۲۰).<sup>۲</sup> در سال‌های نخست هجرت، ضعف توان مالی مهاجران به حدی بود که بیشتر آنها برای سکونت به خانه‌های انصار وابسته بودند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۷۵/۱). منابع تاریخی به استثنای مشخص کردن محل سکونت برخی از مهاجران در نزد انصار (ابن هشام، [بی‌تا]: ۴۷۶/۱-۴۷۹؛ ابن شیه، ۱۳۸۸:

۱. بیشتر املاک مسلمانان در مکه بعد آنکه آنها به مدینه هجرت کردند، با دستبرد و تعرض مکیان مواجه شد (ابن بکار، ۱۳۸۱: ۴۳۱؛ ازرقی، ۱۹۸۳: ۱۹۶/۲؛ فاکهی، ۱۴۰۷: ۲۹۳/۳).

۲. ابن هشام کامل‌ترین گزارش درباره هجرت مسلمانان از مکه به مدینه را در کتاب خود آورده است (ابن هشام، [بی‌تا]: ۴۶۸-۴۷۶).

(۲۵۲)، گزارشی از امکانات مدینه برای اسکان ارائه نداده‌اند.

با توجه به اینکه مدینه برخلاف مکه یک شهر کشاورزی بود و نه تجاری، نمی‌توان انتظار داشت که خانه‌های خالی و یا اجاره‌ای در این شهر وجود داشته باشد؛ بنابراین مهاجران پس از هجرت به مدینه در خانه‌های انصار ساکن شدند و امکان اسکان در محل دیگری برای آنها وجود نداشت. پیامبر(ص) نیز در آغاز ورود به مدینه در منزل ابویوب انصاری که خانه‌ای کوچک بود، ساکن شدند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۹۷/۱، ۳۰۶-۳۰۷). گفتنی است در مورد سکونت ابتدایی اهل صفه که پس از تأسیس مسجد پیامبر(ص) و مساجد دیگر روز و شب خود را در آن می‌گذرانیدند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۹۶/۱؛ ابن شهبه، ۱۳۸۸: ۵۳)، منابع گزارشی ارائه نکرده‌اند. بدین ترتیب، مسکن مناسب با احوال و شرایط مهاجران، نخستین نیاز آنها در مدینه بود؛ زیرا برخی از مهاجران همراه با خانواده و قوم خود هجرت کرده بودند و برخی افراد متأهلی بودند که بدون خانواده و به تنهایی مهاجرت کرده بودند (ابن هشام، [بی‌تا]: ۴۷۹/۱-۴۸۰) که هر یک از این گروه‌ها نیازمند مسکن مناسب خود بودند. استقرار مهاجران در منازل انصار در کوتاه‌مدت با گشاده‌روی انصار همراه بود، اما طولانی شدن این هم‌خانگی هم برای انصار باعث زحمت و هم برای مهاجران اسباب شرمندگی شده بود. دلیل این امر، یکی کوچکی منازل انصار و دیگری تفاوت‌های فرهنگی و آداب و رسوم متفاوت بود؛ به‌ویژه آنکه تفاوت‌های فرهنگی قابل ملاحظه‌ای بین مهاجران و انصار وجود داشت. اگرچه آموزه‌های اسلام و برنامه‌های اصلاحی پیامبر(ص) در راستای هماهنگی فرهنگی انصار و مهاجر در قالب امت اسلامی در حال گسترش بود، اما در سال‌های نخست هجرت هنوز این با هم زندگی کردن خالی از اشکال نبود.

## ۱-۲. فقر و سختی در تأمین معاش

دومین مشکل بیشتر مهاجران در آغاز هجرت، فقر و نداشتن درآمد و وسایل زندگی بود (ابن خیاط، ۱۹۹۵: ۶۴-۶۵). هنگامی که پیامبر(ص) به اتفاق یاران مکی خویش به مدینه مهاجرت کردند، شکاف مالی نسبتاً وسیعی میان مهاجران و انصار وجود داشت؛ زیرا گروهی از مسلمانان دارایی‌ها و پس‌انداز خویش را در مکه رها ساختند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۷۵/۱) و یا مشرکان دارایی‌شان را هنگام هجرت به یشرب ضبط کرده بودند (ابن هشام، [بی‌تا]: ۴۶۸/۱، ۴۷۷؛ ابن بکدار، ۱۳۸۱ق: ۴۳۱؛ ازرقی، ۱۹۸۳: ۱۹۶/۲؛ فاکهی، ۱۴۰۷: ۲۹۳/۳). البته در بین مهاجران افراد اندکی از شرایط مالی خوبی برخوردار بودند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۶۱/۱)،<sup>۱</sup> اما

۱. بلاذری پول همراه ابوبکر هنگام هجرت را چهار تا پنج هزار درهم و پول همراه عثمان را هفت هزار درهم بیان کرده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۶۱/۱).



بیشتر آنها از فقر و تنگدستی رنج می‌بردند. با وجود آنکه بیشتر انصار با تمام توان و امکانات از مهاجران پذیرایی می‌کردند، اما اقدامات آنها کفاف نیازهای جمعیت جدید را نمی‌داد. ابن سعد در شرح احوال اهل صفه و ذکر زندگی شخصی پیامبر(ص)<sup>۱</sup> اخبار ناخوشایندی گزارش کرده و نوشته است: «اهل صفه کسانی بودند که در مدینه نه خانه‌ای داشتند و نه خویشاوندی. سی تن از اهل صفه بدون ردا نماز می‌خواندند و سی نفر از یاران پیامبر(ص) فقط لنگ داشتند و نماز می‌خواندند و گاهی از گرسنگی در فاصله میان خانه عایشه و ام‌سلمه بی‌هوش می‌شدند» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۹۶/۱).<sup>۲</sup> برخی از مهاجران فقیر نزد پیامبر(ص) شکایت می‌کردند که خرما در شکمشان سوزش ایجاد می‌کند و پیامبر(ص) بالای منبر در خطبه‌ای فرمود: «اگر نان و گوشت می‌یافتم به شما می‌خوراندم» (ابن شهبه، ۱۳۸۸: ۴۴۱). علاوه بر موارد گفته شده، برخی گزارش‌ها از جمله گزارش ابن حجر حاکی از این واقعیت تلخ است که برخی از مهاجران از شدت فقر به اموال انصار تعرض می‌کردند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲۶۵/۲). مجموع گزارش‌های فوق نشان دهنده این واقعیت است که مهاجران در مدینه با فقر و تنگی معیشت مواجه بودند و بخشی از این امر ناشی از مصادره اموال مسلمانان در مکه توسط مشرکان و بخشی ناشی از محدودیت امکانات اشتغال و کسب درآمد در مدینه بود. فارغ از دلایل شیوع فقر در مدینه، به‌ویژه در میان مهاجران، اشاره به این نکته حائز اهمیت است که رواج فقر و سختی معیشت علاوه بر اینکه رشد و گسترش اسلام در مدینه را دچار چالش می‌کرد، زمینه رواج رفتارهای ناهنجار را نیز فراهم می‌کرد و اگر این نوع رفتارها فراگیر می‌شد، سلامت جامعه اسلامی در مدینه به خطر می‌افتاد.

بدون تردید، گسترش فقر در مدینه برخلاف اهداف و برنامه‌های پیامبر(ص) در این شهر بود. هدف پیامبر(ص) از هجرت به مدینه تشکیل دولت اسلامی و حاکم کردن قواعد اسلام و توسعه آن در بین مردم شبه‌جزیره عربستان بود و شرط رسیدن به این هدف داشتن جامعه‌ای سالم و بایمان بود. در راستای این واقعیت بود که پیامبر(ص) از همه ابزارها و امکانات برای فقرزدایی از جامعه اسلامی در مدینه استفاده کرد که در ادامه مقاله به آنها اشاره خواهد شد.

۱. ابن سعد در شرح تنگی معیشت رسول خدا نوشته است: «.... پیامبر(ص) شب‌های پیاپی گرسنه می‌خوابید و خانواده‌اش هم غذای شب نداشتند. انس بن مالک گفته است فاطمه(ع) قطعه نانی برای رسول خدا(ص) آورد، فرمود: دخترم این اولین غذایی است که از سه روز پیش تاکنون به دهان پدرت رسیده است. ابوعماص ضحاک بن مخلد شیبانی نقل می‌کرد که رسول خدا(ص) از شدت گرسنگی بر شکم خود سنگ می‌بست....» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۱۴-۳۰۷/۱).

۲. منابع تاریخی نام ۲۲ تن از آنها را ذکر کرده‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱/۲۱۷، ۵۸۰، ۶۴۶، ۳۸۵/۲، ۸/۳، ۴۴۲، ۴۹۸، ۴۶۲/۶، ۳۵۴/۷، ابن سیدالناس، ۱۴۱۴: ۳۸۵/۲).

### ۳-۱. بیکاری

یکی از مهم‌ترین مشکلات مهاجران در سال نخست هجرت، بیکاری و نبود شغل مناسب بود (سمهودی، ۱۳۷۴ق: ۳۹۳/۱). منابع در گزارش‌های خود هیچ اشاره مستقیمی به وجود افراد بیکار به‌ویژه مهاجران در مدینه نکرده‌اند، اما گزارش‌های این منابع درباره اوضاع معیشتی مهاجران نشان‌دهنده بحران اشتغال آنها در مدینه است (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۴۶۸/۱-۴۸۰).<sup>۱</sup> همچنین امکانات اقتصادی محدود مدینه، به‌ویژه شرایط اقتصادی انصار که در مقایسه با یهودیان بسیار ضعیف‌تر بودند، نشانگر این واقعیت است که در آغاز ورود مهاجران به مدینه امکان مشغول شدن آنها در حوزه‌های تجاری و کشاورزی فراهم نبود و بسیاری از آنها کار و فعالیت اقتصادی نداشتند.

با توجه به اینکه منابع آماری دقیق از تعداد جمعیت مهاجران به مدینه ارائه نمی‌دهند،<sup>۲</sup> امکان تعیین تعداد بیکاران از جهت کل جمعیت و همچنین سن و جنس آنها وجود ندارد. تنها آماری که بخشی از منابع به آن اشاره کرده‌اند، تعداد مهاجران شرکت‌کننده در سریه‌ها و غزوات قبل از جنگ بدر است.<sup>۳</sup> با توجه به این گزارش‌ها می‌توان جمعیت توانمند و آماده به کار مهاجران در مدینه را بیش از دویست نفر تخمین زد، اما تخمین تعداد بیکاران امکان‌پذیر نیست. به نظر می‌رسد آن بخشی از مهاجران که موفق شدند بخشی از دارایی‌شان را به مدینه منتقل کنند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۶۱/۱)، امکان فعالیت اقتصادی در مدینه را پیدا کردند، اما بخشی از مهاجران که موفق به انتقال دارایی‌شان نشدند، در مدینه با مشکل سرمایه و کار مواجه بودند. این امر برای اسلام و دولت اسلامی بسیار آزاردهنده بود؛ زیرا بیکاری خود می‌توانست بحران‌های اجتماعی بسیاری نظیر فقر، مشکلات روحی و روانی به بار آورد و زمینه شورش و اعتراض بخشی از مسلمانان را فراهم کند و مقدمه‌ای برای براندازی شود (سید حسین‌زاده یزدی، ۱۳۹۵: ۲۱). مسئله بیکاری مهاجران در مدینه موضوعی نبود که امکان اغماض و محافظه‌کاری در آن توجیه شود. مورخان مسلمان گزارشی از اوضاع اجتماعی مدینه در آغاز

۱. گزارش ابن‌سعد در شرح احوال اهل صفه بیانگر عدم اشتغال آنها بوده است: «اصحاب صفه گروهی از یاران رسول خدا بودند که خانه نداشتند و به روزگار رسول(ص) در مسجد می‌خوابیدند و روزها هم همان‌جا سایه می‌گرفتند و جای دیگری غیر از آن نداشتند» (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۹۶/۱-۱۹۸).

۲. منابع اسلامی به برخی از خانواده‌ها و اشخاصی که به مدینه هجرت کرده بودند و همچنین به میزبانان مهاجران اشاره کرده‌اند، اما به تعداد مهاجران و سن و جنس آنها اشاره‌ای نکرده‌اند (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۴۶۸/۱-۴۸۰).

۳. براساس گزارش واقدی و ابن‌سعد، شرکت‌کنندگان در سریه‌ها و غزوات قبل از بدر همگی از مهاجران بودند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۴/۲) و بیشترین آمار مربوط به غزوه بواط است که حدود دویست نفر گزارش شده است (واقدی، ۱۴۰۹: ۱۲/۱؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۵/۲).

ورود اسلام به این شهر ارائه نداده‌اند، اما از برخی آیات مدنی قرآن (سوره نساء، آیات ۱۵-۱۶؛ سوره نور، آیات ۲ و ۳؛ سوره مائده، آیه ۳۸) و گزارش‌های محدودی چون گزارش پیمان‌نامه غیرمکتوب عقبه اول که پیامبر (ص) از اهل یثرب پیمان گرفتند مبنی بر اینکه «برای خدا شریکی قائل نشوید، دزدی نکنید، مرتکب زنا نشوید، فرزندان خود را نکشید، بهتان و افترا نزنید، در کارهای نیک نافرمانی پیامبر را نکنید» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱/۱۷۰)، می‌توان حدس زد که جامعه یثرب نیز به مانند مکه و طائف، در آستانه ورود اسلام از سلامت اجتماعی کاملی برخوردار نبوده است (ابن هشام، [بی‌تا]: ۴۳۱/۱). گزارش ابن حجر مبنی بر دزدی یکی از مهاجران به دلیل فقر از یکی از باغ‌های انصار و تنبیه او از سوی مالک باغ (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۲/۲۶۵)، ضمن اینکه شرایط بد اقتصادی مهاجران را تبیین می‌کند، در عین حال این واقعیت را آشکار می‌کند که این شرایط می‌توانست بستر مناسبی را برای بزه‌های اجتماعی در مدینه، به‌ویژه در میان مهاجران بیکار فراهم کند.

بخشی از مهاجران را جوانان تشکیل می‌دادند که به نظر بدون اجازه خانواده خود و طبیعتاً بدون سرمایه و دارایی مکه را ترک کرده بودند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱/۱۷۵). این جوانان که غالباً بدون همسر و بیکار بودند، اگر در زمینه اشتغال مدیریت نمی‌شدند، می‌توانستند زمینه چالش‌های اجتماعی و امنیتی در این شهر را فراهم کنند. در راستای همین واقعیت بود که رسول خدا (ص) به شدت نگران بیکاری مسلمانان بود و در پاسخ به بعضی از اصحاب که از ناراحتی آن حضرت درباره بیکاری سؤال می‌کردند، می‌فرمود: «اگر مؤمن شغلی نداشته باشد که با آن امرار معاش کند، برای امرار معاش از دین خود خرج خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۰/۱۰؛ نوری، ۱۳۶۸: ۱۴/۱۳). چالش بیکاری مهاجران در مدینه همانند چالش مسکن و فقر متأثر از دو عامل بود. عامل نخست شرایط مالی و امکانات مهاجران بود که غالباً فاقد سرمایه لازم برای فعالیت اقتصادی بودند. عامل دوم، محدودیت فرصت اشتغال در مدینه به‌ویژه قبل از اخراج بنی قینقاع و بنی نضیر بود؛ زیرا امکانات اقتصادی و فرصت‌های اشتغال انصار محدود بود.

بنابراین طبیعی است که این چالش‌ها در مدینه سلامت جامعه اسلامی را در معرض خطر قرار می‌داد و تعصبات قومی و دسته‌بندی شمالی-جنوبی را اعاده می‌کرد و هویت اوسی یا خزرجی را در انصار و عرب شمالی را در مهاجران زنده می‌ساخت (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳۴۹) و سبب بروز اختلاف‌ها و نزاع‌هایی بین مسلمانان می‌شد که صف آنان را از یکدیگر جدا می‌کرد و گاهی به رویارویی جدی و کشیدن سلاح علیه یکدیگر منجر می‌شد (حسینیان مقدم، ۱۳۸۵: ۲۵۸). همچنین زمینه اثرپذیری اقدامات منافقان و یهود را بیشتر فراهم می‌کرد؛ زیرا

بعدها منافقان با بهره‌گیری از بعضی نقاط ضعف، تلاش برای فتنه‌گری را آغاز کرده بودند (واقعی، ۱۴۰۹: ۲/۱۵-۱۶).

## ۲. اقدامات پیامبر(ص) برای حل مشکلات مهاجران

هدف پیامبر(ص) از هجرت به یثرب تأسیس یک نظام اسلامی در قالب وحی و رسالت الهی بود و در طول حیات خود همه تلاش خود را بر آن متمرکز ساخته بودند. برای تأسیس چنین جامعه‌ای اقداماتی چند لازم بود تا با انجام آنها امکان تشکیل جامعه مورد نظر فراهم شود. پیامبر(ص) پس از ورود به یثرب با شناخت دقیق از اوضاع این شهر و مشکلات پیش روی و ریشه‌های این مشکلات، اقدامات خویش برای ساختن این جامعه جدید را آغاز کرد و با هر اقدامی که صورت می‌گرفت، بخشی از مشکلات یادشده حل و افق‌های جدیدی از امیدواری پیش روی مسلمانان پدیدار می‌شد. پیامبر(ص) علاوه بر اقدامات بنیادی که اساس حکومت اسلامی را تشکیل می‌داد<sup>۱</sup> و زمینه پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم می‌ساخت، با دو راهبرد و راهکار هماهنگ و مکمل، به اصلاح امور و مشکلات مهاجران اقدام کرد. راهکار نخست اقدامات کوتاه‌مدت و مسکنی و راهکار دوم اقدامات بلندمدت و درمانی بود<sup>۲</sup> که در ادامه مقاله به آنها پرداخته شده است.

### ۲-۱. حل چالش مسکن مهاجران

اقدام کوتاه‌مدت و مسکنی پیامبر(ص) برای حل مشکل مسکن مهاجران، تشویق انصار برای پذیرش آنان در منازل خود بود که البته با پیمان اخوت آن را تثبیت کردند. این اقدام پیامبر(ص) باعث شد انصار در بردن مهاجران به منزل خود با یکدیگر رقابت کنند و ضمن اینکه آنان را در منازل خود جای دادند، در زندگی و اموال خویش نیز شریک کردند (واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۲۸). بدین ترتیب، تمام مسلمانانی که از شهر مکه و نواحی اطراف عازم مدینه شده بودند، در خانه‌های انصار ساکن شدند. بنا بر گزارش ابن‌هشام، مسلمانانی که از مکه به مدینه هجرت کردند، به گروه‌های مختلف و دسته‌های جداگانه‌ای تقسیم و هر یک در منزل یکی از

۱. مانند هجرت به یثرب، تأسیس مسجد، پیمان اخوت میان انصار و مهاجران و تدوین پیمان‌نامه عمومی میان ساکنان مدینه، از جمله انصار، مهاجران و قبایل یهودی.

۲. امام علی(ع) در توصیف پیامبر برای حل مشکلات جامعه اسلامی فرمود: پیامبر(ص) طیبی است که برای درمان بیماران سیار است. مرهم‌های شفا بخش او آماده و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گذاشته است. برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال، آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸).

انصار و قبایلی از آنها ساکن شدند. از آن جمله، عمر بن خطاب و همراهان او و واقد بن عبدالله، خولی و مالک پسران ابي خولی و چهار فرزند بکیر و هم پیمانان آنان از قبیله بنی سعد، همگی در قبیله بنی عمرو بن عوف در خانه رفاعه بن عبدالمنذر در محله قباء منزل کردند. طلحه بن عبدالله و صهیب بن سنان در محله سنخ بر خیب بن اساف که از تیره بلحارث بن خزرج بود، وارد شدند. حمزه بن عبدالمطلب، زید بن حارثه، ابو مرثد و پسرش مرثد غنوی، آنسه و ابوبکبه در محله قباء در خانه کلثوم بن هدم منزل کردند. عبیده بن حارث بن عبدالمطلب و دو برادرش طفیل بن حارث و حصین بن حارث و مسطح بن اثاثه و سویط بن سعد و طلیب بن عمیر و خیاب، همگی در قباء به خانه عبدالله بن سلمه رفتند و عبدالرحمن بن عوف با جمعی از مهاجران در محله بلحارث بن خزرج به خانه سعد بن ربیع وارد شدند. زبیر بن عوام و ابوسبره بن ابي رهم در خانه منذر بن محمد منزل کردند و مصعب بن عمیر در میان قبیله بنی الاشهل در خانه سعد بن معاذ منزل کرد. ابو حذیفه بن عتبه و سالم و عتبه بن غزوان نیز در همان قبیله بنی عبدالاشهل بر عباد بن بشر وارد شدند. عثمان بن عفان به خانه اوس بن ثابت - برادر حسان بن ثابت شاعر معروف - در محله بنی النجار درآمد. برخی گفته اند مردان بی زن و عزبها به خانه سعد بن خثیمه رفتند؛ چون او نیز عزب بود. والله اعلم (ابن هشام، [بی تا]: ۴۷۶/۱-۴۷۹).

بلاذری گزارش نسبتاً مفصلاً درباره اقدامات عمرانی رسول خدا در یثرب، هم در مورد اسکان مهاجران و هم اصلاح ساختار کشاورزی و توزیع زمین ارائه داده است (بلاذری، ۱۹۸۸: ۱۵-۲۰). پس از اتمام ساختمان مسجد، در کنار آن در زمینهای اقطاع النبی که عمدتاً از سوی انصار در اختیار مهاجران قرار می گرفت و یا زمینهایی که بدون صاحب بودند (سمهودی، ۱۳۷۴ق: ۷۱۸/۲)، خانههایی برای پیامبر(ص)، همسران وی و برخی از مهاجران ساخته شد (ابن سعد، ۱۴۰۱: ۴۹۹/۱). اسکان مهاجران در مرکز مدینه به ویژه اطراف مسجد النبی نیاز به تأمین نیازهای جامعه شهری بود. پیامبر برای اجرای این هدف، دستور حفر چاههای آب و کشت زمینهای بایر را صادر کرد (مطری، ۱۳۷۲ق: ۱۵-۳۶). پس از بنای مسجد النبی، بیشتر افراد بی بضاعت در آن محل سکونت گزیدند و به اهل صفه مشهور شدند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۹۵/۱-۱۹۸).

به تدریج با افزایش جمعیت مدینه، ساخت مساجد در محلات مختلف (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۳۹/۳، ۱۷۴) و همچنین ساخت خانههای مسکونی در اطراف مسجد النبی ادامه پیدا کرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۷۲۹/۲-۷۳۰).<sup>۱</sup> نکته مهم در این بخش این است که ساخت مسجد

۱. برای آگاهی از پراکندگی سکونت مهاجران و قبایل مختلف مهاجر و انصار در مدینه، نگاه کنید به: بختیاری، ۱۳۹۲: ۲۰۸-۲۲۰.

و منازل مسکونی علاوه بر اینکه مشکل مسکن بخشی از مهاجران را حل کرد، همزمان مشکل اشتغال مهاجران را نیز تا حدودی حل کرد و این از ویژگی‌های اقدامات پیامبر(ص) بود که هر اقدامی که انجام می‌دادند، زمینه حل بخشی از مشکلات را فراهم می‌کرد. البته بعدها پیامبر(ص) با وجود تأکید بسیاری که برای هجرت مسلمانان به مدینه داشتند و یکی از شروط اصلی بیعت، هجرت به این شهر بود (مالک بن انس، ۱۳۷۰ق: ۱۹۷/۱-۱۹۶)،<sup>۱</sup> محدودیت‌هایی را برای سکونت در مدینه اعمال کرد و به برخی قبایل اجازه سکونت در سرزمین اصلی خودشان را داد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱/ ۲۹). در واقع، پیامبر(ص) از این زمان کنترل جمعیت شهر و آمایش جمعیت سرزمینی را در برنامه کاری خود قرار داد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۴۰۳/۲-۴۰۴).

## ۲-۲. حل چالش فقر و ضعف مالی مهاجران

پیامبر(ص) با ترویج اندیشه‌های اسلامی در بین انصار و تربیت اخلاقی آنها در چارچوب آموزه‌های اسلامی و همچنین اقدامات عملی نظیر پیمان اخوت میان انصار و مهاجر، فضایی را ایجاد کرد که انصار با تمام وجود از مهاجران پذیرایی کردند. انصار علاوه بر آنکه زمین‌های خود را برای استفاده مهاجران در اختیار پیامبر(ص) قرار دادند، از آن حضرت خواستند منزل‌هایشان را نیز در اختیار مهاجران قرار دهند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱/ ۳۱۷). انصار همچنین برای تنظیم امور مهاجران و تأمین خوراک آنها، از اموال خود به آنها می‌بخشیدند. این گذشت و انفاق انصار از سوی خداوند مصداق ایثار قرار گرفت و مورد ستایش واقع شد (سوره حشر، آیه ۹).

سیاست‌های اقتصادی و مالی پیامبر(ص) با دو هدف کلی تدوین شد. نخست، تأمین نیازهای دولت اسلامی و تدارک منابع درآمدی برای سیاست‌های دولت اسلامی. دوم، تأمین نیازهای بخشی از جامعه اسلامی به‌ویژه مهاجران. پیامبر(ص) با توجه به شرایط و امکانات مدینه و همچنین توانمندی‌های مهاجران، درصدد حل این مشکلات برآمد. به نظر نمی‌رسد پیامبر(ص) درصدد بود که همه مهاجران را تشویق به کشاورزی و اشتغالاتی از این دست کند و نیز قصد آن نداشت که مهاجران پیوسته چشم به کرم و مهمان‌نوازی انصار داشته باشند. اقدامات پیامبر برای مواجهه با این مشکلات عبارت بود از:

**الف.** دستور پرداخت زکات با استناد به آیات قرآن (توبه، آیه ۶۰؛ احزاب، آیه ۳۳؛ مجادله،

۱. هدف آن حضرت از این امر، علاوه بر ممانعت از بازگشت تازه‌مسلمانان به فرهنگ جاهلی و بدوی، تأمین نیروی لازم برای مواجهه با خطرات احتمالی بود.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۱۲۳

آیه ۱۳) توسط مسلمانانی که شرایط اقتصادی آنها امکان این امر را فراهم می‌ساخت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۹۱/۲). این امر نخستین گام برای زدودن نابرابری اقتصادی و اجتماعی ساکنان مدینه به‌ویژه مهاجران بود.

ب. تأسیس بازار از سوی پیامبر(ص) و وقف آن برای مسلمانان (ابن‌شبهه، ۱۴۱۰: ۳۰۴/۱) و راه‌اندازی کاروان‌های تجاری، مانند کاروان زیدبن حارث (واقدی، ۱۴۰۹: ۵۶۴/۲) از اقدامات مهم پیامبر(ص) در توسعه تجارت و ایجاد کسب و کار برای مسلمانان، به‌ویژه برای مهاجران در مدینه بود (ابن‌ادریس، ۱۳۹۲: ۲۱۶). آن حضرت بازارهای مسلمین را کنترل و ارزیابی می‌کرد و می‌فرمود: «بازاریان مسلمان باید از اعمالی چون ربا، سوگند، کتمان عیب کالا و ستودن جنس هنگام فروش و نکوهش آن هنگام خرید پرهیز کنند» (طوسی، ۱۳۶۵: ۹/۷-۱۳).

ج. اختصاص بخشی از غنایم به عنوان خمس (انفال، آیه ۴۱) برای کمک به فقرا و نیازمندان؛ که البته بعد از سریه عبدالله بن جحش (یعقوبی، [بی‌تا]: ۷۰/۲) و به روایتی بعد از غزوه بدر عملی شد. پس از محاصره بنی‌نضیر پیامبر(ص) دارایی‌های بنی‌نضیر را میان نخستین مهاجران تقسیم کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۱۰۱۱/۲). واقدی گزارش داده است که پیامبر(ص) پس از اخراج بنی‌نضیر املاک و چاه‌های آنها را برای زراعت به مهاجران واگذار کرد؛ از جمله چاه حجر را به ابوبکر، چاه جرم را به عمر، سؤاله را که به مال سلیم هم معروف است، به عبد الرحمن بن عوف، ضراطه را به صهیب بن سنان، بویله را به زبیر بن عوام و ابوسلمه بن عبدالاسد و مال ابن‌خرشه را به سهل بن حنیف و ابودجانه واگذار کرد. پیامبر(ص) از درآمد اموال بنی‌نضیر مردم را تا حدی در سعه و گشایش قرار داد (واقدی، ۱۴۰۹: ۳۷۸-۳۷۹).

د. تشویق انصار برای به کار گرفتن مهاجران در فعالیت‌های کاری خود، به‌ویژه استفاده از آنها در نخلستان‌ها. پیامبر(ص) به انصار فرمود: «مهاجران برای شما کار می‌کنند و شما هم محصول خرما را با آنها قسمت کنید» (ابن‌شبهه، ۱۳۸۸: ۴۴۲).

بنا بر گزارش مشروحی که واقدی و ابن‌سعد (واقدی، ۱۴۰۹: ۱۰۸۰/۳؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۹۱/۱) درباره وجوب پرداخت زکات و تقسیم آن از سوی رسول خدا(ص) به نیازمندان ارائه داده‌اند، این اقدام پیامبر(ص) -که البته به پشتوانه آیات قرآن صورت گرفت- زمینه عدالت اجتماعی و رفع فقر محرومان را فراهم کرد و به تبع آن چالش‌ها و پیامدهای منفی متأثر از فقر را کاهش داد. علاوه بر آن، تأسیس بازار اسلامی که در مقابل بازار یهود ایجاد شده بود و الزام کاسبان مسلمان به پرهیز از معاملات حرام، کمک شایانی به رفع فقر و به‌ویژه تضاد طبقاتی کرد.

با این اقدامات پیامبر(ص)، امکان تأسیس یک سامانه باثبات و پایدار در نظام اقتصاد اسلامی فراهم شد که مسلمانان علاوه بر اینکه نیازهای غذایی و معیشتی خود را تأمین می‌کردند، امکان خرید و ساخت مسکن هم برایشان فراهم شده بود. همچنین این اقدامات پیامبر(ص) علاوه بر اینکه توانست موجی از تنش‌های اقتصادی را از جامعه اسلامی مدینه بزدايد، مانع از آن شد که کاستی‌های اقتصادی ضربه‌ای به سلامت دولت اسلامی وارد سازد (شریعتی، ۱۳۴۷: ۲۶۴).

### ۳-۲. حل بحران اشتغال

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مهاجران در سال‌های نخست در مدینه، بیکاری و نداشتن شغل مناسب بود. از آنجا که این پدیده اجتماعی و اقتصادی پیامدهای ناگواری چون فقر، آسیب‌های روحی و روانی، تضعیف روابط اجتماعی، تشدید نابرابری‌های نژادی، کاهش انگیزه‌های کاری، کم‌رنگ شدن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و رشد بزه‌های اجتماعی را به دنبال داشت، خطری جدی برای سلامت و ادامه حیات دولت جدید اسلامی بود؛ زیرا همه این موارد در نقطه مقابل اهداف پیامبر(ص) برای تشکیل حکومت اسلامی در مدینه بود.

علاوه بر اقدامات اصلاحی پیامبر(ص) در تأمین مسکن و رفع فقر که همزمان زمینه اشتغال مهاجران را فراهم کرده بود، بخش مهمی از اقدامات پیامبر(ص) برای حل چالش‌های اجتماعی و اقتصادی مهاجران در مدینه، تشکیل دسته‌های نظامی و اعزام آنها به مأموریت‌های مختلف در بیرون از مدینه بود. این اقدام هم برای آمادگی دفاعی در برابر خطرات احتمالی و ضربه زدن بر فعالیت تجاری قریش در مسیر مکه به شام و مکه به یمن و هم به منظور کاهش نتایج حاصل از فتنه‌گری قریش صورت گرفت. این اقدام پیامبر(ص) با دو هدف پیگیری شد. هدف کوتاه‌مدت پیامبر از اعزام مهاجران به مسیر تجاری قریش که با سریه حمزه آغاز شد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳/۲) و تا غزوه بدر ادامه داشت و شاخص‌ترین آن سریه عبدالله بن جحش بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۷/۲)<sup>۱</sup>، حفظ آمادگی دفاعی مهاجران در برابر حملات ایذایی احتمالی قریش و وابستگان آنها در میان قبایل اطراف مدینه (همدانی، ۱۳۷۷: ۵۲۸) و کاستن از بحران متأثر از بیکاری مهاجران در مدینه بود که در کوتاه‌مدت امکان اشتغال آنها وجود نداشت. به عبارت دیگر، می‌توان گفت این اقدام حضرت ماهیت مسکنی داشت و نه دارویی. منابع اسلامی گزارشی درباره دامنه این بحران‌ها در مدینه ارائه نداده‌اند، اما شرایط اقتصادی مدینه و اوضاع

۱. بنا به گزارش واقدی، در فاصله هجرت پیامبر به مدینه تا جنگ بدر، در مجموع هشت درگیری روی داد که در چهار مورد خود پیامبر حضور داشتند (واقدی، ۱۴۰۹: ۱/ ۹-۱۹).



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۱۲۵

مسلمین، به خصوص مهاجران که بدون آذوقه و توشه‌ای وارد این شهر شده بودند، امکان شکل‌گیری آشوب‌های اجتماعی را فراهم می‌کرد. به‌ویژه آنکه جریان نفاق در مدینه نیز دامنه فعالیت خود را معطوف به بهره‌برداری از این بحران‌ها کرده بود (ابن‌شبهه، ۱۳۸۸: ۳۴۴). در راستای این مهم بود که پیامبر(ص) مسئولیت سرریه‌های نخستین قبل از بدر کبری را بر عهده مهاجران گذاشت (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۵۹۳/۱-۵۹۵؛ ابن‌سعد، ۱۴۰۱: ۴/۲؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۱۱/۱؛ مسعودی، [بی‌تا]: ۲۱۴) تا ضمن پیگیری اهداف پیشین، امکان افزایش بحران‌های اجتماعی را که زمینه بروز داشت، از بین ببرند. تذکر این نکته مهم و قابل تأمل است که از مجموع ۲۷ غزوه و حدود ۸۹ سرریه، هیچ یک تهاجمی و همراه با غارت نبود، بلکه همه آنها با هدف از بین بردن فتنه‌های داخلی و خارجی و یا دفاع از مدینه بود. آمار غنائیم این جنگ‌ها نشان می‌دهد (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۳۴۹/۲، ۴۸۸) که جنگ‌های نخستین بیشتر ماهیت بحران‌زدایی داشته است و نه کسب غنائیم.

هدف بلندمدت پیامبر از اقدامات نظامی، تأمین امنیت پایدار در مدینه و از بین بردن کانون‌های فتنه در مدینه و حتی حجاز بود. به تعبیری هدف آن حضرت از این اقدامات، به اطاعت درآوردن هر نوع قدرت‌طلبی یا مقاومتی در برابر نفوذ پیامبر(ص) از سوی قبایل عربی در مدینه و خارج از آن بود (بلاذری، ۱۴۱۶: ۴۳۵/۲؛ واقدی، ۱۴۰۹: ۵-۴/۱). اولین گروهی که پیامبر علیه آنها اقدام نظامی انجام داد، بدویان و قبایل اطراف مدینه بودند که به تحریک قریش و با هدف غارت مدینه، به اقدام نظامی علیه مدینه دست می‌زدند (واقدی، ۱۴۰۹: ۱۸۲/۱، ۱۹۳، ۱۹۶). اقدامات نظامی پیامبر علیه این قبایل زمینه امنیت ساکنان مدینه را فراهم می‌ساخت و ترس و نگرانی از حملات ایدایی آنها را از بین می‌برد. دومین گروهی که پیامبر علیه آنها اقدام نظامی انجام داد، یهودیان ساکن مدینه و نواحی اطراف آن بودند؛ نظیر یهودیان بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر، بنی‌قریظه و یهودیان خیبر (واقدی، ۱۴۰۹: ۱۷۶/۱-۱۸۱، ۳۶۱-۳۸۴؛ ۴۹۶/۲-۵۳۰، ۶۳۳-۷۰۶). اقدامات نظامی پیامبر علیه یهودیان که البته حاصل پیمان‌شکنی آنها بود و از سال دوم تا هفتم صورت گرفت، فرصت‌های جدیدی در عرصه کشاورزی، صنعت و تجارت نصیب مسلمانان از جمله مهاجران کرد.

سومین گروهی که پیامبر علیه آنها دست به اقدام نظامی زد، مشرکان مکی بودند. بزرگ‌ترین خطری که اسلام را در مدینه تهدید می‌کرد، از جانب قریش بود؛ به همین دلیل ابتدا حملات متمرکز نظامی با هدف ناامن کردن راه‌های تجاری قریش به شام و عراق سازماندهی می‌شد تا از این طریق قریش را تحت فشار قرار دهند (اصفهانی، ۱۹۵۵: ۳۲۵/۶). هدف پیامبر(ص) از اقدامات نظامی علیه قریش تضعیف موقعیت تجاری قریش در مکه و

حمله به کاروان‌های تجاری آنها در مسیر مکه به شام و حتی مکه به یمن بود (واقعی، ۱۴۰۹: ۱/۱-۱۴). تضعیف موقعیت تجاری قریش یک استراتژی راهبردی و بلندمدت از سوی رسول خدا بود که با حمله به کاروان‌های تجاری قریش صورت گرفت. بنا بر گزارش ابن‌شبهه، این اقدامات پیامبر به قدری جدی و تأثیرگذار بود که ثمامه‌بن اثال پس از پذیرش اسلام و بازگشت به مکه، به اشراف مکه هشدار داد و گفت: «به خدا سوگند! از این پس حتی یک دانه گندم از یمامه برای شما نخواهد آمد مگر آنکه رسول خدا اجازه فرماید» (ابن‌شبهه، ۱۳۸۸: ۴۰۲). مادامی که مکه از عواید تجارت شام و یمن بهره می‌برد، دست از مخالفت با اسلام برنمی‌داشت. از طرفی، مکه رهبر فکری و سیاسی عربستان بود و هدف اصلی‌اش براندازی دولت مدینه بود (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳۶۷) و مادام که مکه در مخالفت خود باقی می‌ماند، جامعه اسلامی در مواجهه با خطر انقراض بود. بنابراین پیامبر(ص) اولین اقدامی که علیه قریش آغاز کرد، تلاش برای تحت فشار قرار دادن قریش تجارت‌پیشه از طریق ایجاد محدودیت دسترسی به راه‌های ایمن بود؛ تلاشی که هرچند با واکنش مشرکان مواجه شد، اما در بلندمدت اسباب تضعیف قریش را فراهم ساخت و آنان را به امضای صلح حدیبیه با مسلمانان (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۳۱۷/۲) راضی کرد و در نهایت با فتح مکه (واقعی، ۱۴۰۹: ۷۸۰/۲) و مسلمان شدن همه قریش، دشمنی و فتنه‌گری آنها پایان یافت.

گفتنی است که هدف پیامبر(ص) تضعیف مکه بود و نه نابودی آن؛ زیرا مکیان مردمانی با استعداد بودند و پیامبر(ص) می‌خواستند استعدادهای مردم مکه را به خدمت اسلام درآورد؛ زیرا در عربستان جایی را نمی‌شد سراغ گرفت که در مردمش این‌چنین ادراک و دریافت عقلی یا چنین استعداد و ظرفیت سیاسی وجود داشته باشد (گیب، ۱۳۶۷: ۴۶). بنابراین عمده تلاش پیامبر(ص) تضعیف جایگاه تجاری مکه تا آن حدی بود که مکیان توان ایجاد بحران را از دست دهند و به خدمت اسلام درآیند. پیامبر(ص) بهتر از هر کسی می‌دانست که استواری مکه بر امنیت این راه و برقراری تجارت است؛ به همین دلیل تلاش می‌کردند با ناامن کردن و کنترل این مسیر تجاری، زمینه اضمحلال تجارت مکیان را فراهم کنند. پیامبر(ص) این راهبرد را با مهارت و بینش کامل طراحی و اجرا کرد و از موقعیتی که در مدینه داشت، بهره کامل برد و با درگیری‌های نظامی با قریش که اوج آنها در سه غزوه بدر، احد و احزاب بود، زمینه تسلیم مکه را فراهم کرد. هدف نهایی پیامبر(ص) این بود که مکه به میل خود قدم پیش نهد و نبوغ سیاسی پیامبر(ص) هنگامی نمایان شد که مکه عاقبت پس از هفت سال کشمکش در حالی به عالم اسلام پیوست که دشمنی مغلوب و خشمگین شمرده نمی‌شد، بلکه عنوان یک شریک راضی (اگر نه پرشور و شوق) را حاصل کرده بود (گیب، ۱۳۶۷: ۴۷).

### نتیجه گیری

در تحلیل داده‌های تاریخی مورد استناد در مقاله حاضر، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که هجرت به مدینه مهم‌ترین اقدام پیامبر(ص) در تشکیل دولت اسلامی بود. این اقدام اگرچه نتایج بسیار مهم و حیاتی برای آینده جامعه اسلامی داشت، اما بدون زحمت و چالش نبود و مهاجران در مقایسه با انصار بیشتر در معرض این چالش‌ها قرار گرفته بودند.

در یک ارزیابی کلی از محتوای منابع تاریخی می‌توان گفت بیشتر مهاجران در ابتدای ورود به یثرب با سه مشکل مسکن و سرپناه، فقر و تنگی معیشت و بیکاری مواجهه شدند که دو عامل در شکل‌گیری این مشکلات سه‌گانه نقش اساسی داشتند. عامل نخست نقش مشرکان مکه در ایجاد مشکلات برای مهاجران بود. آنها ضمن آزار و اذیت مسلمانان در مکه، هنگامی که مهاجران عازم مدینه شدند، اموال و دارایی‌شان را مصادره کردند و بلافاصله بعد از خروج مسلمانان از مکه و استقرار آنها در مدینه، اسباب گرفتاری آنها در مدینه را با تهدیدات نظامی و تهییج منافقان فراهم کردند. عامل دوم شرایط و امکانات شهر مدینه بود که با وجود رواج کشاورزی و تجارت، امکان فعالیت مهاجران در این عرصه‌ها فراهم نبود. موج گسترش مهاجران که با بیعت گره خورده بود، باعث افزایش جمعیت مدینه شد و با افزایش جمعیت مدینه، مسلمانان به‌ویژه مهاجران با مشکلات بسیاری مواجه شدند. ظهور این مشکلات، با وجود ایمان و صبر مسلمانان و کمک‌های بی‌دریغ انصار که با رویی گشاده و با اشتیاق بسیار انجام می‌شد، بدون عارضه و پیامد نبود و انجام اقدامات و اصلاحات از سوی پیامبر(ص) را ضروری می‌کرد. پیامبر(ص) علاوه بر اقدامات بنیادی که اساس حکومت اسلامی را تشکیل می‌داد، با دو راهبرد راهکار هماهنگ و مکمل به مقابله با مشکلات مهاجران در مدینه پرداخت. راهکار نخست پیامبر(ص) اقدامات کوتاه‌مدت و مسکنی و راهکار دوم اقدامات بلندمدت و درمانی بود.

**الف. اقدامات کوتاه مدت:** رسول خدا(ص) بلافاصله پس از هجرت به یثرب، در راستای حل مشکلات مهاجران علاوه بر اقدامات بنیادی و بلندمدت، در راستای بنای حکومت اسلامی اقدامات سریع و کوتاه‌مدتی را انجام دادند. این اقدامات اگرچه حالت مسکنی داشت، اما زمینه آرامش و ثبات در جامعه اسلامی شد و به صورت غیرمستقیم بسیاری از بحران‌ها را از جامعه اسلامی دور ساخت. به تعبیری، این اقدامات کوتاه‌مدت اسباب اثرگذاری اقدامات بلندمدت را فراهم کرد. این اقدامات کوتاه‌مدت در سه حوزه پژوهش حاضر عبارت است از:

۱. تأمین سرپناه و مسکن: پیامبر(ص) در کوتاه‌مدت برای اسکان مهاجران از انصار یاری خواست و با تشویق انصار برای یاری مهاجران و اسکان آنها در خانه‌های خود، مشکل مسکن

مهاجران را به‌طور موقت حل کرد.

۲. رفع فقر: پیامبر(ص) بلافاصله پس از هجرت به یثرب از انصار خواست که برادران دینی خود (مهاجران) را یاری دهند و انصار در سایه ایمان و اعتقاد اسلامی تمام دارایی خود را با مهاجران قسمت کردند.

۳. رفع بیکاری: سومین اقدام کوتاه‌مدت پیامبر(ص) اعزام گروه‌های جهادی متشکل از مهاجران به بیرون از مدینه در راستای مانورهای نظامی و تهدید کاروان‌های تجاری قریش بود که علاوه بر اهداف نظامی، زمینه مشغولیت مهاجران را نیز فراهم می‌کرد.

#### ب. اقدامات بلندمدت

۱. رسول خدا(ص) همزمان با اقدامات بنیادی حکومت اسلامی و اقدامات کوتاه‌مدت برای حل چالش‌های شکل گرفته، اقدامات بلندمدت درمانی خویش را هم آغاز کرد. این اقدامات در دو حوزه نسبتاً کلان اتفاق افتاد. نخست در چارچوب اصلاح ساختار عمرانی، اقتصادی و مالی مسلمانان در یثرب بود که شامل تأسیس مسجد و خانه‌های اطراف آن برای مهاجران، تدوین نظام دریافت زکات با استناد به آیات قرآن کریم، تشکیل و تأسیس بازارهای مستقل اسلامی و اختصاص خمس غنایم به فقرا بود. با عملیاتی شدن این اقدامات ضمن اینکه اوضاع اقتصادی مسلمانان به‌ویژه فقرای مهاجران اصلاح شد، زمینه شکل‌گیری سامانه اقتصادی مستحکمی فراهم شد که بعدها با عنوان مکتب اقتصادی اسلام رواج یافت و ویژگی اصلی آن مقاومت در برابر نوسانات اقتصادی در گذر زمان بود.

۲. اقدام بلندمدت پیامبر(ص) در چارچوب اعمال فشار بر مکیان با ایجاد محدودیت برای تجار و بازرگانان آنها و مصادره اموال اشراف قریش و مشرکان به تلافی غارت اموال مهاجران در مکه انجام گرفت. این راهبرد از یک طرف ضمن وارد کردن ضربات اقتصادی سنگین به تجارت مکه، اسباب تضعیف اشراف قریش را فراهم می‌کرد و از طرف دیگر، ضمن کاهش فشار مکه بر مدینه، بحران بیکاری در مدینه را -که استعداد ایجاد چالش‌های اجتماعی بسیاری داشت- از بین می‌برد.

مجموع این اقدامات که دستاورد آنها حل چالش‌های عمومی مدینه و چالش‌های مهاجران در این شهر و در نهایت پیروزی دولت اسلامی بر مشرکان بود، نتیجه قدرت رهبری و پختگی سیاسی خارق‌العاده پیامبر(ص) بود؛ قدرت رهبری که آن حضرت توانست با صبوری و پشتکار چالش‌های پیش روی را از میان بردارد و زمینه ثبات و پیروزی دولت اسلامی را فراهم کند. به تعبیری می‌توان گفت راهبرد پیامبر(ص) به مانند طبیعی ماهر بود که برای درمان بیماران خود، همزمان هم از داروهای مسکن و هم داروهای درمانی و شفابخش استفاده کردند و این

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۱۲۹

راهبرد زمینه حل چالش‌ها و مشکلات دولت اسلامی به‌ویژه مهاجران در مدینه را به وجود آورد.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن اثیر، أبو الحسن علی بن محمد جزری (۱۳۷۰)، تاریخ کامل اسلام و ایران، ترجمه سید محمدحسین روحانی، ج ۲، ۴، تهران: نشر اساطیر.
- ابن ادریس، عبدالله عبدالعزیز (۱۳۹۲)، جامعه مدینه در عصر نبوی، ترجمه شهلا بختیاری، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- ابن بکار، زبیر (۱۳۸۱ق)، جمهرة نسب قریش و اخبارها، تحقیق محمود محمد شاکر، ج ۱، ۲، قاهره: [بی‌نا].
- ابن خیاط عصفری، خلیفه (۱۹۹۵)، تاریخ، به کوشش مصطفی نجیب فواز و حکمت کشلی فواز، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م)، الإصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، ج ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حنبل، احمد بن محمد [بی‌تا]، مسند، ج ۱، ۳، بیروت: دار صادر.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ۱، ۲، ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن سیدالناس، ابوالفتح محمد (۱۴۱۴ق / ۱۹۹۳م)، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، ج ۲، بیروت: دار القلم.
- ابن شبه نمیری، ابوزید عمر (۱۳۸۸)، اخبار المدینه النبویه، ترجمه حسین صابری، تهران: انتشارات مشعر.
- ابن شبه حرانی، حسن (۱۴۱۰ق)، تحف العقول، ج ۱، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری المعافری، [بی‌تا]، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، ج ۱، ۲، بیروت: دار المعرفه.
- ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله (۱۹۸۳م)، اخبار مکه، تحقیق رشدی الصالح ملحس، ج ۲، مکه: دار الثقافة.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۹۵۵)، کتاب الاغانی، ج ۶، بیروت: [بی‌نا].
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷)، کتاب البخاری، تحقیق قاسم شماعی رفاعی، ج ۱، بیروت: دار القلم.

۱۳۰ / تحلیلی بر شیوه مواجهه پیامبر(ص) با چالش‌های مهاجران در مدینه ... / بهمن زینلی

- بختیاری، شهلا (۱۳۹۲)، «تحول ساخت شهری مدینه و پذیرش مرکزیت در عهد نبوی»، حیات و حکمت و حکومت پیامبر اعظم(ص)، قم: پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع).
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *انساب الاشراف*، تحقیق محمدباقر محمودی، ج ۱، ۲، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
- ..... (۱۹۸۸م)، *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین (۱۴۰۵ق / ۱۹۸۵م)، *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة*، تحقیق عبدالمعطی قلعجی، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- حسینیان مقدم، حسین (۱۳۸۵)، «مناسبات مهاجر و انصار در سیره نبوی همدلی و رقابت‌ها»، مجموعه مقالات پژوهشی در سیره نبوی، زیر نظر رسول جعفریان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۵)، *تاریخ صدر اسلام، عصر نبوت*، تهران: سمت.
- سمهودی، علی بن عبدالله (۱۳۷۴ق)، *وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی*، تحقیق محی‌الدین عبدالحمید، ج ۱، ۲، قاهره: [بی‌نا].
- السنیدی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۹)، «المواجهة الاقتصادية بين المسلمين و قريش فی العهد النبوی»، *جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية*، العدد ۲۱، صص ۳۶۹-۴۱۲.
- سهیلی، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۳۹۱ق)، *الروض الأنف فی شرح السیرة النبویة لابن هشام*، تعلیق طه عبدالرئوف سعد، ج ۲، قاهره: [بی‌نا].
- سید حسین زاده یزدی، سعید (۱۳۹۵)، «سیره پیامبر اکرم در مقبل تهدیدهای اقتصادی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال شانزدهم، شماره ۶۲، صص ۶-۳۱.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق)، *الدرر المشرور فی تفسیر المأثور*، ج ۴، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شریعتی، علی (۱۳۴۷)، مقاله از هجرت تا رحلت، محمد خاتم پیامبران، تهران: حسینیه ارشاد.
- احمدعلی، صالح (۱۳۹۱)، *دولت رسول خدا*، ترجمه هادی انصاری، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- صمیمی، مینو (۱۳۸۲)، *محمد در اروپا*، ترجمه: عباس مهر پویا، تهران: انتشارات اطلاعات.
- طبری، محمد بن جریر طبری (۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م)، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، بیروت: دار التراث.
- طوسی، ابوجعفر محمد (۱۳۶۵)، *تهدیب الأحکام*، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- عبدالمحمدی، حسین و هادی اکبری (پاییز ۱۳۹۱)، «نقد و بررسی دیدگاه مستشرقان درباره اهداف غزوات و سرایای پیامبر اعظم(ص) از منظر اسناد تاریخی»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، سال سیزدهم، شماره ۳ (شماره مسلسل ۱۳)، صص ۷-۴۱.
- فاکهی، محمد بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، *اخبار مکه*، تحقیق ابن‌دهیش، ج ۳، مکه: النهضة الحدیثه.
- قاضی‌خانی، حسین (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، «نقش اقتصاد در ایجاد تعارض در مدینه و چگونگی

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۷، پاییز ۹۹ / ۱۳۱

- برخورد پیامبر با آن»، مطالعات تاریخی جهان اسلام، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۱.
- گیب، همیلتون (۱۳۶۷)، اسلام بررسی تاریخی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مالک بن انس (۱۳۷۰ق)، الموطأ، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۱، القاهرة: [بی نا].
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مسعودی، أبو الحسن علی بن حسین [بی تا]، التنبيه و الإشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی (افست قم: مؤسسه نشر منابع الثقافة الإسلامية).
- مطری، محمد بن احمد (۱۳۷۲ق)، التعریف بما انست الهجرة من معالم دار الهجرة، تحقیق محمد بن عبدالمحسن الخیال، مدینه المنوره: منشورات اسعد درازونی.
- موسوی مقدم، سید محمد (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «گریگور شوئیتر و اعتبارسنجی روایات سیره نبوی»، حدیث حوزه، شماره ۱۰، صص ۷۶-۱۱۲.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین (۱۳۶۱)، کشف الاسرار و عده الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، ج ۹، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۶۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ج ۱۳، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م)، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، ج ۱، ۲، ۳، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- همدانی، اسحاق بن محمد (۱۳۷۷)، سیره رسول الله، تصحیح اصغر مهدوی، ج ۲، تهران: سازمان چاپ انتشارات، چاپ سوم.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب [بی تا]، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ۲، بیروت: دار صادر.
- ..... (۱۹۷۵)، البلدان، نجف، بی نا.
- Crone, Patricia (2004), *Medieval Islamic Political Thought*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Crone, Patricia (1987), *Meccan trade and the rise of Islam*, Princeton: Princeton University Press.
- Hart, Michael, H. (1993), "The 100/ a ranking of the most influential persons in history", *A Citadel Press Book Published by Carol Publishing Group*, New York.
- Popper, Karl. R. (1961), *the Poverty of Historicism*, Harper Torchbooks, the Academy Library Harper & Row, Publishers, New York and Evanst.

### List of sources with English handwriting

- Holy Qurān
- Nahj al-Balāghā
- Aḥmad 'Alī, Šāliḥ (1391 Š.), *Dolat-e Rasūl-e kodā*, translated by Hādī Anšārī, Qom: Entišārāt-e Ḥoza va Dānišgāh. [In Persian]
- Arzaqī, Abulvalīd Moḥammad b. 'Abullāh (1983), *Aḵbār al-Makka*, edited by Rošdī al-Šāliḥ Molḥis, Vol. 2, Makka: Dār al-Ṭaqāfa.
- 'Abdulmoḥammadī, Ḥosseīn; Hādī Akbarī (1391 Š.), "Naqd va Barrasī-e Dīdgāh-e Mostašriḡīn darbāra-ye Ahdāf va Ġazavāt va Sarāyā-e Piāmbar-e A'zam (pbuh) az Manzar-e Asnād-e Tārīkī", *Fašlnāma-ye Tārīk-e Eslām*, No. 3, pp. 7-41. [In Persian]
- Baḳtīārī, Šahlā (1392 Š.), "Taḥavvol-e Sākt-e Šahrī-ye Madīna va Pazīrīš-e Markazīat dar 'Ahd-e Nabavī", *Ḥayāt va Ḥikmat va Ḥokūmat-e Piāmbar-e A'zam*, Qom: Pejūhiškada-ye Tārīk va Sīra-ye Ahl-e Bait (pbuh). [In Persian]
- Bilāzorī, Aḥmad b. Yaḥyā (1417), *Ansāb al-Ašraf*, edited by Moḥammad Bāqir al-Maḥmūdī, Vols. 1, 2, Qom: Majma' Ehyā al-Ṭaqāfa al-Eslāmīa.
- Bilāzorī, Aḥmad b. Yaḥyā (1988), *Fotūḥ al-Boldān*, Beirut: Dār va Maktaba al-Hilāl.
- Boḳārī, Moḥammad b. Esmāīl (1407), *Kitāb al-Boḳārī*, edited by Qāsim Šamā'ī, Vol. 1, Beirut: Dār al-Qalam.
- Biḥaqī, Abubakr Aḥmad b. al-Ḥosseīn (1405/1985), *Dalā'il al-Nobovva va Ma'rifat Ahvāl Šāhib al-Šarī'a*, edited by 'Abdulmo'ī Qal'aḳī, Vol. 2, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmīa.
- Esfahānī, Abulfaraj (1955), *Kitāb al-Aḡānī*, Vol. 6, Beirut.
- Fākihī, Moḥammad b. Eshāq (1407), *Aḵbār Makka*, edited by Ibn Dahiš, Vol. 3, Mekka: al-Nihzat al-Ḥadīṭa.
- Hamadānī, Eshāq (1377 s.), *Sīra-ye Rasūl Allāh*, edited by Ašḡar Mahdavi, Vol. 2, Tehran: Sāzmān-e Čāp-e Entišārāt. [In Persian]
- Ḥosseīnīān Moqadam, Ḥosseīn (1385 Š.), "Monāsibāt-e Mohājir va Anšār dar Sīra-ye Nabavī Hamdilī va Riqābat", *Majmū'a Maqālāt-e Pejūhišī dar Sīra-ye Nabavī*, edited by Rasūl Jafarīān, Qom: Pejūhišgāh-e Ḥoza va Dānišgāh. [In Persian]
- Ibn Aṭīr, Abulḥasan 'Alī b. Moḥammad Jazrī (1370 Š.), *Tārīk-e Kāmil Eslām va Īrān*, translated by Sayyid Moḥammad Ḥossien Roḥānī, Vol. 2, 4, Tehran: Ašāṭīr. [In Persian]
- Ibn Bokār, Zobair (1381), *Jomhorat al-Nasab Qoraiš va Aḵbārīhā*, edited by Moḥmūd Moḥammad Šākir, Vols. 1, 2, Cairo.
- Ibn Edrīs, 'Abullāh 'Abul'azīz (1392 Š.), *Jāmi'a-ye Madīna dar 'Ašr-e Nabavī*, translated by Šahlā Baḳtīārī, Qom: Entišārāt-e Ḥoza va Dānišgāh. [In Persian]
- Ibn Ḥajar 'Asqalānī, Aḥmad b. 'Alī (1415/1995), *Al-Ašāba fi Tamūz al-Šahāba*, edited by 'Adīl Aḥmad 'Abdulmojūd, 'Alī Moḥammad Ma'vūz, Vols. 1, 2, 3, 6, 7, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmīa.
- Ibn Ḥanbal, Aḥmad b. Moḥammad (n. d.), *Mosnad*, Vols. 1, 3, Beirut: DārŠādīr.
- Ibn Hišām, 'Abdulmalik b. Hišām al-Himyārī al-Ma'āfirī (n. d.), *Al-Sīrat al-Nabavīa*, edited by Moštafa al-Siqā, Ebrāhīm Al-Abīārī, 'Abdulḥafīṭ Šalbī, Vols. 1, 2, Beirut: Dār al-Ma'rifa.
- Ibn ḳayyāt 'Osforī (1995), *Tārīk*, edited by Moštafā Najīb Fovvāz, Ḥikmat Kašlī Fovvāz, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmīa.
- Ibn Sa'd, Moḥammad (1410/1990), *Al-Ṭabaqāt al-Kobrā*, edited by Moḥammad 'Abdulqādir 'Aṭā, Vol.s 1, 2, 3, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmīa.
- Ibn Sayyid al-Nās, Abulfatḡ Moḥammad (1414/1993), *Oyūn al-Aṭar fi Fonūn al-Maḡāzī va al-Šamāyil va al-Sīar*, edited by Ebrāhīm Moḥammad Ramazān, Vol. 2, Beirut: Dār al-Qalam.
- Ibn Šoba Ḥarānī, Hasan (1410), *Toḥaf al-'Oqūl*, Vol. 1, Qom: Entišārāt-e Ĵāmi a Modarisīn.
- Ibn Šoba Nomeirī, Abuzaid 'Omar (1388), *Aḵbār al-Madīna al-Nabavīa*, translated by Ḥosseīn Šābirī, Tehran: Entišārāt-e Maš'ar.



- Maibodī, Abulfazl Rašīd al-Dīn (1361 Š.), *Kašf al-Asrār va 'Odat al-Abrār (Ma 'rūf bi Tafsīr-e Kājā 'Abullāh Anšārī)*, edited by 'Alī Ašgar Hikmat, Vol. 9, Tehran: Entišārāt-e Amīr Kabīr. [In Persian]
- Maǧlisī, Moḥammad Bāqir (1404), *Biḥār al-Anvār*, Vol. 100, Beirut: Moasisa al-Vafā.
- Malik b. Anas (1370), *Al-Moṭā*, edited by Moḥammad Foād 'Abdulbāqī, Vol. 1, Cairo.
- Mas'ūdī, Abulḥasan 'Alī b. Hossein (n. d.), *Al-Tanbih va al-Ešrāf*, edited by 'Abullāh Esmāil al-Šāvī, Cairo: Dār al-Šāvī.
- Maṭrī, Moḥammad b. Aḥmad (1372), *Al-Ta'rīf bimā Anst al-Hijra min Ma 'ālim Dār al-Hijra*, edited by Moḥammad b. 'Abdulmoḥsin al-kīāl, Media: Manšūrāt As'ad Drabzonī.
- Mūsavī Moqadam, Sayyid Moḥammad (1394 Š.), "Gregūr Šoeler va 'Etibārsanjī-e Rivāyāt-e Sira-ye Nabavī", *Hadīṭ-e Hoza*, No. 10, pp. 76-112. [In Persian]
- Nūrī, Hossein b. Moḥammad Taqī (1368 Š.), *Mostadrak al-Vasāil va Mostanbat al-Masāil*, edited by Āl al-Bait (pbuh) l'Ehyā al-Torāṭ, Vol. 13, Qom: Moasisa Āl al-Bait (pbuh). [In Persian]
- Al-Sinīdī, 'Abdulrahmān b. 'Alī (1419), "Al-Movājiha al-Eqtišādī bein al-Moslimīn va al-Qoraīš fo al-'Ahd al-Nabavī", *Jāmi'a al-Emām Moḥammad b. So'ūd al-Eslāmīā*, No. 21, pp. 369-412.
- Samhūdī, 'Alī b. 'Abdullāh (1374), *Vafā al-Vafā bi Aḳbār Dār al-Moštafā*, edited by Moḥī al-Dīn 'Abdulḥamīd, Vols. 1, 2, Cairo.
- Šamīmī, Mīnū (1382 Š.), *Moḥammad dar Orūpā*, translated by 'Abbās Mirpūyā, Tehran: Entišārāt-e Eṭilā'āt.
- Soheilī, 'Abdulrahmān b. 'Abdullāh (1391), *Al-Roż al-anaf fi Šarh al-Sīrat al-Nabaviā li Ibn Hišām*, edited by 'Abdulraūf Sa'd, Vol. 2, Cairo.
- Sayyid Hosseinzada Yazdī, Sa'īd (1395 Š.), "Sīra-ye Piāmbār-e Akram dar Mogābil-e Tahdīdhā-ye Eqtišādī", *Fašlnāma-ye 'Elmī- Pejūhiši-ye Eqtišād-e Eslāmī*, 16, No. 62, pp. 6-31.
- Soyūṭī, Ĵalāl al-Dīn (1404), *Al-Dor al-Manṭūr fi Tafsīr al-Maṭūr*, Vol. 4, Qom: Kitābkāna-ye Āyatullāh Mar'ašī Najafī.
- Šarī'atī, 'Alī (1347 Š.), *Maqāla az Hijrat tā Rihlat, Moḥammad kātām-e Piāmbārān*, Tehran: Hoseinīya Eršād.
- Ṭabarī, Moḥammad b. Ĵarīr (1387/1967), *Tārīḳ al-Omam va al-Mlūk*, edited by Moḥammad Abulfazl Ebrāhīm, Vol. 2, Beirut: Dār al-Torāṭ.
- Ṭūsī, Abu Ĵafar Moḥammad (1365), *Tahzīb al-Aḥkām*, Vol. 7, Tehran: Dār al-Kotob al-Eslāmīā.
- Qāzīkānī, Hossein (1392 Š.), "Naqš-e eqtišād dar Eǧād-e Ta 'ārož dar Madīna va Čigūnigī-e barḳord-e Piāmbār bā Ān", *Moǧālīāt-e Tārīḳī-e Ĵahān-e Eslām*, No. 2, pp. 89-111. [In Persian]
- Vāqīdī, Moḥammad b. 'Omar (1409/1989), *Kitāb al-Maǧāzī*, edited by Marsden Jones, Vol. 1, 2, 3, Beirut: Moasisa al-'Elmī.
- Yaqūbī, Aḥmad b. Abī Yaqūb (n. d.), *Tārīḳ al-Yaqūbī*, Vols. 1, 2, Beirut: Dār Šādīr.
- Yaqūbī, Aḥmad b. Abī Yaqūb (1975), *Al-Boldān*, Najaf.
- Zargarīnǧād, Ğolamhossein (1385 Š.), *Tārīḳ-e Šadr-e Eslām*, 'Ašr-e Nobovvat, Tehran: Samt. [In Persian]

#### References in English

- Crone, Patricia (2004), *Medieval Islamic Political Thought*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Crone, Patricia (1987), *Meccan trade and the rise of Islam*, Princeton: Princeton University Press.
- Gibb, Hamilton (1969), *Islam a Historical Survey*, Oxford: Oxford University Press.
- Hart, Michael, H. (1993), "The 100/ a ranking of the most influential persons in history", *A Citadel Press Book Published by Carol Publishing Group*, New York.
- Popper, Karl. R. (1961), *the Poverty of Historicism*, New York: Harper Torchbooks.

**An Analysis of the Style of Prophet (PBUH) Dealing with the Challenges Faced by Muhājirs in Medina (Case Study: Housing Shortage, Poverty, and Unemployment)<sup>1</sup>**

Bahman Zeinali<sup>2</sup>

Received: 04/03/2020  
Accepted: 10/09/2020

**Abstract**

Having tried to disseminate the monotheism (Tūhīd) in Mecca for thirteen years, the Prophet (PBUH) sought to locate a new center for Islam in response to the pressures imposed by the Quraysh aristocracy upon Muslims and their uncompromising attitude towards the spread of Islam. After introducing Islam to a group of Yathrib residents during a three-year period that paved the way for the introduction and spread of Islam in Yathrib, the Prophet decided to immigrate to this town. The necessary condition for the Prophet and many Muslims who resided in Mecca for immigrating to Yathrib was provided after signing two oral pledges (known as the first and second Pledge of Al-'aqabah). After this migration, the young and upstart Islamic society in Medina faced problems such as the housing shortage, poverty, and unemployment that affected the town's Muslims, especially Muhājirs. Having acquired a precise knowledge of the roots of the problems and investigated the town's conditions and possibilities, the Prophet (PBUH) performed fundamental actions to resolve them during stages.

In the present study, by employing a qualitative method design (descriptive-analytical), the author investigates the Prophet's methods to face and resolve the immigrants' problems in Medina. This study's main question is designated to identify the most critical challenges faced by the immigrants and the strategies employed by the Prophet for resolving them. According to this study's findings, during the first years of the immigrants' presence in Medina, the significant challenges they were faced included the housing shortage, poverty, and unemployment. The Prophet performed practical actions to resolve them during two main stages: a short-term stage (mitigating) and a long-term stage (resolving).

**Keywords:** Prophet (PBUH), Muhājirs Challenges, housing shortage, Poverty, Unemployment.

---

1. DOI: 10.22051/HII.2020.29327.2174

2. Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan; [b.zeynali@ltr.ui.ac.ir](mailto:b.zeynali@ltr.ui.ac.ir)  
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493